

بررسی اعتبار معجزه‌گاه‌های منسوب به امام علی (ع) در عراق

a_khamehyar@yahoo.com

احمد خامه‌یار / دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران

دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

چکیده

در برخی منابع تاریخی و روایی شیعه، معجزه‌های متعددی به امام علی (ع) نسبت داده شده است. اعتقاد به وقوع این معجزات در مکان‌هایی خاص، موجب شده تا بعدها در این مکان‌ها زیارتگاه‌هایی ایجاد شود که در این نوشتار، از آنها با عنوان «معجزه‌گاه‌های امام علی (ع)» یاد شده است. در کشور عراق، شماری از این دست زیارتگاه‌ها وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت است از: «مشهد الشمس» در حلّه، «زیارتگاه جمجمه» در بابل، «مسجد براتنا» در بغداد، و «قطاره» امام علی (ع) نزدیک کربلا. در این مقاله، ضمن معرفی مختصر هریک از این چهار معجزه‌گاه، تلاش شده است تا با تحلیل و مقایسه اقوال و روایات نقل شده در منابع روایی متقدم شیعه در باب معجزات امام علی (ع) و محل وقوع آنها، میزان اعتبار این معجزه‌گاه‌ها و انطباق آنها با این روایات بررسی شود. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در این منابع، تناقضات و اختلافات شدیدی در محل وقوع معجزاتی که مبنای شکل‌گیری این زیارتگاه‌ها بوده است، وجود دارد، به‌گونه‌ای که غالباً انطباق موقعیت جغرافیایی آنها را با اقوال و روایات موجود، با مشکل مواجه می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، معجزه، زیارتگاه، عراق، روایات، شیعه.

مقدمه

از دیرباز تاکنون، بیشتر مسلمانان‌ها به امام علی علیه السلام به‌عنوان یک شخصیت استثنایی و فوق‌العاده نگریسته‌اند. در میان اهل سنت، علما و اندیشمندان فراوانی بوده‌اند که امیرالمؤمنین علیه السلام را بر سایر خلفا ترجیح داده‌اند، و صوفیان نیز آن حضرت را وارث معارف و علوم باطنی پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته و سلسله‌های طریقتی خود را به ایشان رسانده‌اند. از سوی دیگر، گروه‌هایی منسوب به شیعه نیز از نخستین دوره‌های تاریخ اسلام در حق ایشان غلو ورزیده و گاه برای ایشان مرتبه الوهیت قایل شده‌اند.

در منابع روایی شیعه، روایات متعددی در باب معجزات امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که بخش قابل‌توجهی از آنها در روزهای حضور آن حضرت در سرزمین عراق در دوره خلافت ظاهری ایشان رخ داده است. بر اساس این روایات، بخش قابل‌توجهی از این معجزات مربوط به زمان رفت و آمد ایشان برای مقابله با دشمنان، یعنی در طول مسیر رفت و بازگشت جنگ صفین، و یا مسیر رفت و بازگشت جنگ نهروان به وقوع پیوسته است.

تعدادی از این معجزات مبنای پیدایش و ساخته شدن زیارتگاه‌هایی در جاهایی بوده که محل وقوع این معجزات به‌شمار می‌آمد. برای مثال، گفته می‌شود که زیارتگاه «مشهد الشمس» در شهر حلّه، در محل بازگشت خورشید برای امام علی علیه السلام، و مسجد «جمعمه» در منطقه بابل نیز در محل سخن گفتن آن حضرت با جمجمه مرده ساخته شده است. همچنین «دکة الطشت»، از مقام‌های زیارتی مسجد کوفه، محل وقوع معجزه دیگری از امام علی علیه السلام است، و زیارتگاه «مشهد البوق» در «رحبة مالک بن طوق» («میادین» امروزی در شرق سوریه) با یک غیب‌گویی امام علی علیه السلام ارتباط یافته است. این نوشتار به صورت تسامحی از چنین زیارتگاه‌هایی با تعبیر «معجزه‌گاه» یاد کرده است.

سؤال‌هایی که نگارنده در این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به آنهاست: آیا زیارتگاه‌های بررسی‌شده کاملاً منطبق بر جاهایی است که در روایات به‌عنوان محل وقوع معجزات (صرف نظر از سند و محتوای آنها) ذکر شده است؟ به عبارت دیگر، آیا این زیارتگاه‌ها بر اساس روایات یادشده به‌عنوان مبنای پیدایش آنها، تا چه میزان اعتبار تاریخی دارد؟

برای پاسخ به این سؤال‌ها، چهار معجزه‌گاه واقع در خاک عراق را بررسی کرده‌ایم که عبارتند از: زیارتگاه یا «مشهد ردالشمس» در شمال شهر حلّه، مسجد یا «زیارتگاه جمعمه» در منطقه بابل، «مسجد برائا» در بغداد، و زیارتگاه معروف به «قطاره امام علی علیه السلام» نزدیک دریاچه رزازه در غرب کربلا. لازم به ذکر است که از این زیارتگاه‌ها، دو زیارتگاه یعنی «مسجد برائا» و «مسجد جمعمه»

در گذر زمان از بین رفته، و دو زیارتگاه دیگر یعنی «مشهد الشمس» و «قطاره امام علی علیه السلام» تاکنون باقی مانده است.

در بررسی هر معجزه‌گاه، روایت‌هایی را که عمدتاً با جزئیات متفاوت در منابع روایی شیعه درباره معجزه‌ای مرتبط با آن نقل شده است، به اجمال بیان شده و نکات اختلافی، به‌ویژه در خصوص زمان و محل وقوع این معجزات، استخراج شده است.

۱. زیارتگاه «مشهد رد الشمس»

در شمال شهر حلّه، در کنار جاده‌ای که از این شهر به بابل متصل می‌شود، زیارتگاه معروف به «مشهد رد الشمس» قرار دارد که براساس باور شیعیان، در محلی ساخته شده است که در آنجا به طریق معجزه، خورشید پس از غروب برای امام علی علیه السلام بازگردانده شد.

پیش از توصیف این زیارتگاه، لازم به توضیح است که بر اساس بسیاری از منابع حدیثی و روایی شیعه و حتی اهل سنت، خورشید پس از غروب آن، یک یا دو بار برای امیرالمؤمنین علیه السلام بازگردانده شد که به حادثه «رد الشمس» (= بازگرداندن خورشید) معروف است. در این باره از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَدَّ عَلَيَّ الشَّمْسَ مَرَّتَيْنِ، وَلَمْ يَرِدْهَا عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ غَيْرِي»؛ خداوند تبارک و تعالی دو بار خورشید را برای من بازگرداند، و آن را جز من برای هیچ کس دیگری از امت محمد برنگرداند (صدوق، ۱۴۰۳ق، ۵۸۰).

همچنین از ابن عباس نقل شده است که خورشید تنها برای سه نفر یعنی حضرت سلیمان وصی حضرت داود علیه السلام، حضرت یوشع وصی حضرت موسی علیه السلام و حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برگردانده شد (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۵۵).

شیخ صدوق نیز از امام صادق علیه السلام داستان بازگرداندن خورشید برای حضرت سلیمان علیه السلام را روایت کرده، و سپس اشاره نموده که مطابق روایتی، خداوند خورشید را برای حضرت یوشع علیه السلام بازگردانده است (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۲۹-۱۳۰).

حسین بن حمدان خصیبی گفته است: مطابق به روایتی خورشید تنها برای یوشع بن نون، وصی حضرت موسی و امیرالمؤمنین علی علیه السلام بازگشته است (خصیبی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۲۳). او سپس به سند خود از امام محمدباقر علیه السلام روایت کرده است که خورشید برای امیرالمؤمنین علیه السلام سه بار: یک بار در مدینه منوره و دو بار در عراق بازگردانده شد، و سپس داستان مفصل هریک را آورده است (خصیبی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۲۰).

همچنین بسیاری از شاعران شیعه در قرون اولیه اسلامی در اشعار خود، به معجزه «ردّ شمس» اشاره داشته‌اند (ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۵۴-۳۶۱). ابوبکر شیرازی از اعلام اهل سنت نیز معتقد است: خورشید چندین بار در جایگاه‌های گوناگونی برای امیرالمؤمنین علیه السلام بازگردانده شده است (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۵۳).

علامه مجلسی در بحارالانوار، یک باب را به موضوع «ردّ الشمس» برای امیرالمؤمنین علیه السلام اختصاص داده و روایات گوناگونی را از منابع شیعه نقل کرده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱، ص ۱۶۶-۱۹۱). معجزه اول ردّ شمس که علاوه بر منابع شیعه، در بسیاری از منابع اهل سنت نیز نقل شده، در زمان حیات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه منوره اتفاق افتاد. خلاصه مضمون روایات نقل شده چنین است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از بجا آوردن نماز ظهر و عصر، حضرت علی رضی الله عنه را نزد خویش فراخواندند، سپس درحالی که سر بر دامان امام علیه السلام نهاده بودند، وحی بر ایشان نازل شد و در همان حال پیامبر صلی الله علیه و آله به خواب رفتند. این در حالی بود که امام علیه السلام هنوز نماز عصر خود را نخوانده بودند. این حالت به قدری طول کشید که خورشید غروب کرد و نماز عصر امام علی رضی الله عنه قضا شد. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله بیدار شدند و از قضا شدن نماز امام صلی الله علیه و آله مطلع شدند، دعا کردند که خورشید برگردد تا امام علیه السلام نماز عصر خود را ادا کنند (ر.ک: نریمانی، ۱۳۸۱، ص ۳۴).

از جمله محدثان و علمای شیعه، که این داستان را نقل کرده‌اند، می‌توان از شیخ کلینی، شیخ صدوق، حمیری، عیاشی، محمدبن حسن قمی، حسین بن حمدان خصیبی، شیخ مفید، قطب راوندی و ابن حمزه طوسی نام برد (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۵۶۱-۵۶۲؛ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۵۱-۳۵۲؛ همو، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۳۰؛ حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۵-۱۷۶؛ عیاشی، بی تا، ج ۲، ص ۷۰-۷۱؛ قمی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۹-۲۰؛ خصیبی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۲۰-۱۲۱؛ مفید، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۴۵-۳۴۶؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۶؛ ابن حمزه الطوسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۵۴). بسیاری از علمای اهل سنت نیز در کتاب‌های خود، این داستان را نقل کرده‌اند (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۲-۱۱۵) و حتی برخی از آنان درباره طرق روایی آن و یا در دفاع از امکان یا صحت وقوع این معجزه تألیفاتی داشته‌اند (ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۵۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۱-۱۱۲).

البته در جزئیات روایات نقل شده در این باره، اختلافاتی وجود دارد و برخی به دیده تردید به وقوع این معجزه و روایات آن نگریسته‌اند (ر.ک: نریمانی، ۱۳۸۱، ص ۳۳-۵۷). به هر حال، در مدینه منوره

مسجدی به نام مسجد «فَضِيح» یا «رَدِّ شَمْس» وجود داشته که آن را محل وقوع این معجزه به‌شمار آورده‌اند (ر.ک: جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۲۹۹-۳۰۲).

در تعدادی از منابع شیعه، روایاتی مبنی بر وقوع معجزهٔ رَدِّ شَمْس دوم در سرزمین بابل نقل شده است، اما در این روایات اختلافاتی در سبب و زمان وقوع حادثه و دیگر جزئیات آن وجود دارد. در بیشتر این روایات، به وقوع معجزه در زمان بازگشت امیرالمؤمنینؑ از نهروان اشاره شده، اما بر اساس کتاب *وَقَعَهُ صَفَّيْن*، در زمان حرکت امامؑ به سمت صَفَّيْن اتفاق افتاده و در برخی روایات نیز به زمان وقوع آن اشاره نشده است؛ که در ادامه به تفصیل به این روایات خواهیم پرداخت.

نصربن مزاحم دربارهٔ معجزهٔ رَدِّ شَمْس به سند خود از عبد خیربن یزید همدانی این‌گونه نقل کرده است: به همراه علیؑ در سرزمین بابل حرکت می‌کردیم. وقت نماز عصر فرارسید. هر جا می‌رسیدیم سرسبزتر از جای قبل بود. تا اینکه به جایی رسیدیم که زیباتر از آن ندیده بودیم. خورشید در حال غروب بود. حضرت دعایی کرد و خورشید به مقدار وقت نماز عصر شروع کرد به بازگشتن. نماز عصر را خواندیم. سپس خورشید غروب کرد (منقری، ۱۴۱۰ق، ص ۱۳۶).

با این حال، همو روایت دیگری را شبیه روایت مزبور، از فرزند *مِخْنَفِ بْنِ سَلِيمِ اَزْدِي* نقل کرده که در آن، اشاره‌ای به بازگشت خورشید نشده است: «پدرم *مِخْنَفِ بْنِ سَلِيمِ* همراه علیؑ در سرزمین بابل حرکت می‌کرد. در این حال علیؑ فرمود: بابل زمینی است که در آنجا «خَسْف» شده است. مرکب را حرکت بده تا شاید نماز عصر را در بیرون آن ادا کنیم. سپس بر سرعت مرکب خود افزود و به تبع وی دیگران نیز بر سرعت مرکبشان افزودند. پس از اینکه از پل صراط عبور کردند، علیؑ از مرکب پایین آمد و با مردم نماز عصر را به‌جا آورد (منقری، ۱۴۱۰ق، ص ۱۳۵).

در تعدادی از منابع روایی شیعه، این داستان با تفصیل بیشتری نقل شده و خلاصهٔ آن چنین است که امام علیؑ با لشکریان خود، در وقت نماز عصر به سرزمین بابل رسیدند و فرمودند: اینجا سرزمینی است که در آن عذاب نازل شده و جایز نیست که هیچ پیامبر یا وصی پیامبری در آن نماز بخواند. هر کس می‌خواهد در اینجا نماز بخواند، بخواند. مردم پراکنده شدند و به نماز ایستادند. جویریة بن مسهر، از اصحاب امیرالمؤمنینؑ، تصمیم گرفت به امامؑ اقتدا کند و نمازش را با ایشان بخواند. سپس به راه خود ادامه دادند، تا اینکه خورشید غروب کرد و آنها از این سرزمین خارج شدند. آن‌گاه حضرت زیر لب دعایی کردند و خورشید دوباره در آسمان بالا آمد. پس امامؑ نماز عصر خود را بجا آوردند و خورشید دوباره غروب کرد.

درباره جزئیات این داستان، در منابع شیعه، از جمله زمان وقوع این معجزه، اختلاف وجود دارد. در روایت شیخ صدوق در *من لا یحضره الفقیه* و *صَفَّار* و *ابن حمزه طوسی* و *قطب راوندی*، که از جویریته بن مسهر عبدی نقل کرده‌اند (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۳۰-۱۳۱؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۷؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۵۳؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۲۴) و نیز به نقل حسین بن عبدالوهاب و محمد بن حسن قمی و *شاذان بن جبریل قمی*، که از امام حسین علیه السلام روایت کرده‌اند (حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۶۹ق، ص ۲-۱؛ قمی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۸-۱۹ و ۱۶۹-۱۷۰؛ قمی، ۱۳۸۱ق، ص ۶۸) زمان وقوع حادثه پس از بازگشت از جنگ نهروان بیان شده است. شبیه روایت موجود در این منابع را حسین بن حمدان خصیبی با تفصیل بیشتری از امام محمدباقر علیه السلام نقل کرده است (خصیبی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۲۲-۱۲۳).

در بیشتر منابع مزبور، محل بازگشت خورشید پس از خروج از سرزمین بابل و تنها در روایت شیخ صدوق، پس از عبور از پل «سوراء» بیان شده است.

در روایت دیگری از شیخ صدوق (*در علل الشرائع*) و روایت دیگری از *صَفَّار* و نیز در روایت شریف رضی، از سرزمین بابل نامی در میان نیست، اما محل وقوع معجزه جایی پس از گذشتن از پل «صراة» بیان شده، و به اینکه این معجزه در مسیر رفت یا بازگشت جنگ صفین، یا در زمان رفت یا بازگشت جنگ نهروان رخ داده، اشاره‌ای نشده است (صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۵۲-۳۵۳؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۹؛ شریف رضی، ۱۴۰۶ق، ص ۵۶-۵۷). همچنین در روایت دیگری، مسیر رسیدن به بابل، از سمت کربلا و رود فرات بیان شده است (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۸) که با قول مبتنی بر وقوع معجزه در مسیر بازگشت از نهروان، توافق ندارد.

در روایتی که شیخ طوسی از امام محمدباقر علیه السلام نقل کرده، جزئیات معجزه رَدّ شمس در عراق، به گونه‌ای متفاوت با روایات قبلی بیان شده است. در این روایت، درباره زمان حادثه آمده است: «آن‌گاه که امیرالمؤمنین علیه السلام به سوی نهروان خارج شد...» و چنین تصویری را به وجود می‌آورد که معجزه مزبور در مسیر رفت امام علیه السلام به نهروان - و نه در مسیر بازگشت ایشان - اتفاق افتاده است. همچنین در روایت مزبور، کسی که در بابل نماز نخواند و صبر کرد تا با امام علیه السلام نماز بجا آورد، *مالک اشتر* - و نه جویریته بن مسهر - معرفی شده است. علت نماز نخواندن امام علیه السلام در سرزمین بابل نیز شوره‌زار بودن آن - و نه وقوع خسف یا عذاب الهی در آن - بیان شده است (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۷۱-۶۷۲).

بر اساس روایت مرفوع و بدون سند شیخ *مُتَیِّد* در *الارشاد*، رَدّ شمس دوم در جایی به وقوع

پیوست که امام علیؑ می‌خواستند در بابل از رود فرات عبور کنند، اما از زمان وقوع آن و اینکه پیش یا پس از جنگ صفین یا نهروان رخ داده، سخنی به میان نیامده است. بر اساس این روایت، بر خلاف سایر منابع، داستان ردّ شمس بدین شکل بیان شده است که امامؑ با برخی از یاران خود، نماز عصر خود را اقامه نمودند، درحالی‌که بیشتر اصحاب ایشان چنان به رسیدگی به اسب‌ها و مرکب‌های خود مشغول شدند که خورشید غروب کرد و نماز عصر آنها قضا شد. از این رو، امامؑ از خداوند خواستند تا خورشید بازگردد و همه اصحاب ایشان نماز عصر خود را در وقت آن ادا کنند (مفید، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۴۶).

در اینجا، لازم است به روایت دوم شیخ صدوق از این معجزه در *علل الشرائع* اشاره کرد که از امام صادقؑ نقل کرده است. بر اساس این روایت، معجزه ردّ شمس با معجزه دیگری از امیرالمؤمنینؑ یعنی سخن گفتن آن حضرت با یک جمجمه مرده ارتباط یافته و علت به تأخیر افتادن نماز عصر حضرت تا زمان غروب خورشید، به درازا کشیدن صحبت ایشان با جمجمه بیان شده است (صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۵۱). درباره معجزه سخن گفتن امام علیؑ با جمجمه مرده، در ادامه بیشتر سخن خواهیم گفت.

در خصوص موقعیت جغرافیایی مکان‌هایی که در روایات مذکور از آن یاد شده، لازم به توضیح است که زمین بابل امروزه در شمال شهر حله قرار دارد و میان این دو، شاخه‌ای از رود فرات جدایی انداخته است، و حال آنکه «مشهد الشمس» امروزه تقریباً متصل به حله و در کنار جاده این شهر به بابل قرار دارد.

«سوراء» نیز، که بر اساس یکی از نقل‌های شیخ صدوق مبنی بر اینکه حادثه ردّ شمس پس از گذشتن از پل «سوراء» رخ داده (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۳۰-۱۳۱)، به گفته یاقوت حموی موضعی در عراق در سرزمین بابل، نزدیک «حله مزیدی» بوده است (حموی، ۱۳۹۷ق، ج ۳، ص ۲۷۸). رودخانه «صراط» نیز، که به گفته نصرین مزاحم، امام علیؑ در مسیر خود از کوفه به سمت صفین، با گذشتن از «پل صراط» از زمین بابل خارج شدند (منقری، ۱۴۱۰ق، ص ۱۳۶) و در برخی روایات، محل وقوع معجزه ردّ شمس جایی پس از گذشتن از این پل مشخص شده (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۹؛ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۵۲-۳۵۳؛ شریف رضی، ۱۴۰۶ق، ص ۵۶-۵۷)، احتمالاً همان «صراط جاماسب» از شاخه‌های رود فرات است (حموی، ۱۳۹۷ق، ج ۳، ص ۳۹۹-۴۰۰).

به هر حال، اگر معجزه ردّ شمس - مطابق روایت نصرین مزاحم - در مسیر حرکت امام علیؑ به

صفین و پس از گذشتن از سرزمین بابل اتفاق افتاده باشد، باید محل وقوع آن را در نقطه‌ای در شمال بابل بدانیم و بنابراین، زیارتگاه امروزی «مشهد الشمس» را که در شمال حله و جنوب بابل واقع است، با این حادثه بی‌ارتباط می‌نماید. اما در صورت پذیرش برخی از دیگر روایات نقل شده در منابع شیعه، که به وقوع حادثه در مسیر بازگشت امیرالمؤمنین علیه السلام از نهروان اشاره کرده‌اند، به‌ویژه روایت شیخ صدوق در *من لا یحضره الفقیه*، که به وقوع آن پس از گذشتن از پل «سوراء» اشاره کرده است، شاید بتوانیم این زیارتگاه را به‌عنوان محل ردّ شمس در نظر بگیریم. اما باید توجه داشت که در یکی از دو نقل موجود در کتاب *نصرین مزاحم*، به‌عنوان کهن‌ترین منبع گزارش ردّ شمس، اشاره‌ای به وقوع این معجزه نشده است.

درباره تاریخ اولیهٔ احداث زیارتگاه «مشهد الشمس» حله آگاهی دقیقی در دست نیست. احتمالاً ابن‌شهر آشوب نخستین کسی است که به زیارتگاه کنونی «مشهد الشمس» حله و ارتباط آن با حادثهٔ دوم ردّ شمس اشاره کرده است. او محل زیارتگاه را «صاعديه» از توابع بابل ذکر کرده است (ابن‌شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۵۵). *علی بن ابی‌بکر هروی* نیز چند قول دربارهٔ این زیارتگاه بیان کرده و نوشته است: گفته شده خورشید در آن برای حزقیل پیامبر علیه السلام و به قولی برای یوشع بن نون علیه السلام، و به قول دیگری برای *علی بن ابی‌طالب* علیه السلام بازگشته است (هروی، ۱۹۵۳، ص ۷۶).

مشهد الشمس امروزه داخل محوطهٔ وسیع محصور و مشجری قرار دارد. این زیارتگاه از بناهای اسلامی کهن عراق و از نظر معماری، بسیار حایز اهمیت است. ساختمان اصلی آن شامل یک بنای هشت ضلعی با گنبد مضرّس زیبایی به ارتفاع تقریباً ۲۰ متر است. این گنبد از شاخص‌ترین گنبد‌های مضرّس باقی‌مانده در عراق به‌شمار می‌آید و برخی پژوهشگران عراقی قدمت آن را به سه دههٔ اول سدهٔ هفتم هجری رسانده‌اند (حدیثی و عبدالخالق، ۱۹۷۴م، ص ۴۸). اما *علاء‌الدین احمد العانی* با استناد به قراین تاریخی و معماری، از جمله شباهت فراوان این بنا با گنبد زمرد خاتون در بغداد، تاریخ ساخت آن را دههٔ آخر سدهٔ ششم هجری برآورد کرده و آن را از آثار معماری دورهٔ *الناصر ل‌دین الله عباسی* (خ ۵۷۵-۶۲۲) دانسته است (عانی، ۱۹۸۲م، ص ۵۹-۶۰). با این حال، به نظر می‌رسد با توجه به اشارهٔ ابن‌شهر آشوب و هروی به این زیارتگاه، پیش از این تاریخ نیز ساختمانی در این محل وجود داشته است.

در ضلع جنوبی بنای اصلی، محرابی وجود دارد که به احترام محل نماز خواندن امام علی علیه السلام، با یک در آلمینیومی کوچک (به عنوان ضریح یا پنجرهٔ مشبک) مسدود شده است. متصل به این بنا از سمت غرب، صحن کوچکی وجود دارد که دورتادور آن را رواق‌هایی فرا گرفته و در سال‌های اخیر، سقفی برای آن ایجاد

شده است. در زاویه، شمال شرقی آن، مناره جدیدی قدیمی وجود دارد که بلندی آن کمتر از ارتفاع گنبد بناست و بخش‌هایی از بدنه و ایوان آن با نقوش و کتیبه‌های کاشی، تزیین شده است.

صحن مشهد دارای یک ورودی در میان ضلع شمالی و ورودی دیگری نیز روبه‌روی آن در ضلع جنوبی است. ورودی جنوبی به محوطه محصور دیگری متصل است که در جنوب آن، مسجد کوچک و نسبتاً ساده‌ای قرار دارد. اهالی منطقه آن را مسجد قدیمی «صاعديه» - نام این محل در گذشته - می‌دانند. این مسجد بازسازی شده است و در آن عناصر معماری قابل توجه و نیز آثاری از گذشته به چشم نمی‌خورد (مشاهدات نگارنده).

۲. زیارتگاه یا «مشهد جمجمه»

معجزه‌گاه دیگر امام علی علیه السلام در خاک عراق، «مشهد جمجمه» است که با وقوع معجزه سخن گفتن آن حضرت با یک جمجمه انسان مرده ارتباط یافته است. داستان این معجزه در منابع شیعه، با اختلافات بسیاری در محل وقوع و سایر جزئیات آن نقل شده است.

این داستان در *علل الشرائع شیخ صدوق*، به دو سند از امام جعفر صادق علیه السلام و بدون اشاره به محل ماجرا روایت شده و با حادثه «ردّ الشمس» ارتباط یافته است. مضمون آن به طور خلاصه چنین است که امیرالمؤمنین علیه السلام پس از خواندن نماز ظهر، سخن گفتن با جمجمه‌ای را آغاز کردند و آن جمجمه شروع به معرفی و شرح داستان زندگی خود کرد و صحبت او به درازا کشید تا اینکه خورشید غروب نمود. آن‌گاه به اراده خداوند، خورشید از مغرب بازگشت و امام علیه السلام نماز عصر خود را ادا کردند و خورشید دوباره غروب کرد (صدوق، ۱۳۸۵ق، ص ۳۵۱).

ابن شهر آشوب نیز این روایت را نقل کرده، با این تفاوت که در آغاز آن چنین افزوده است: راوی از امام صادق علیه السلام پرسید: چرا امیرالمؤمنین علیه السلام نماز عصر را در بابل به تأخیر انداخت؟ امام نیز در پاسخ، داستان مزبور را نقل کردند. در پایان نیز افزودند: پس در آنجا، مسجدی به نام «مسجد جمجمه» ساخته شد (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۷۵).

روایت دیگری از این معجزه را حسین بن عبدالوهاب و طبری امامی از کتاب *الانوار کاتب اسکافی*، و با تفصیل بیشتر، شاذان بن جبرئیل قمی نقل کرده‌اند و سند آن به *عمار ساباطی* می‌رسد. بر اساس این روایت، زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام به ایوان کسری در مدائن رسیدند، ذلف فرزند منجم دربار کسری و تعدادی از اهالی ساباط (یکی از شهرهای هفت‌گانه مدائن) با ایشان همراه بودند. امام علیه السلام از یکی از

اصحاب خود خواستند تا جمجمه‌ای پوسیده را از زمین بردارد. سپس آن را در طشت آبی قرار دادند و امام علیه السلام بر رویش آب ریختند و سخن گفتن با جمجمه را آغاز کردند. جمجمه به سخن درآمد و با زبان عربی فصیح، خود را کسری انوشیروان معرفی کرد و به امامت امیرالمؤمنین علیه السلام شهادت داد. در ادامه روایت آمده است که اهالی سابط در حق امام علیه السلام غلو ورزیدند و امام آنها را دعوت به توبه کرد؛ اما آنها نپذیرفتند و به همین سبب، حضرت علیه السلام دستور داد تا آنها را در آتش سوزانند (حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۶۹ق، ص ۱۰-۱۱؛ طبری، ۱۴۱۰ق، ص ۲۱-۲۲؛ قمی، ۱۳۸۱ق، ص ۷۰-۷۲).

طبری امامی نیز این معجزه را به نقل از ابورواحه انصاری، از حبه عنری به شرح ذیل نقل کرده است: با امیرالمؤمنین علیه السلام بودم، در زمانی که به جنگ معاویه می‌رفتند. جمجمه‌ای در کنار فرات دیدیم که زمان درازی از آن گذشته بود. امیرالمؤمنین علیه السلام ایستادند و آن را صدا زدند. جمجمه پاسخ داد و به نزد امام علیه السلام غلطید و به زبان فصیح سخن گفت. امام به او دستور بازگشت دادند و او به همانجایی که بود، برگشت (طبری، ۱۴۱۰ق، ص ۲۳).

همو در روایت دیگری نقل کرده است: امام علیه السلام در کنار جمجمه پوسیده‌ای در نهر روان ایستادند و از او پرسیدند: که هستی؟ او گفت: من فلان بن فلانم (همان).

شبهه دو روایت طبری امامی را صاحب کتاب *الفضائل* نیز نقل کرده است، با این تفاوت که روایت دوم به صورت مفصل، به عنوان دنباله روایت اول آمده، و در سند آن به جای نام حبه عنری، عنوان مغربی ذکر شده است. در متن روایت نیز صاحب جمجمه دوم خود را پرویز بن هرمز (به جای فلان بن فلان در روایت طبری) معرفی کرده است (قمی، ۱۳۸۱ق، ص ۷۲-۷۳).

همچنین در کتاب *الروضه فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام*، خبر معجزه جمجمه با جزئیات متفاوتی نقل شده است؛ از جمله آنکه سند روایت مرفوع و راوی آن عمار یاسر است، و صاحب جمجمه مرده جلد بن گرگر معرفی شده است (قمی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۳۶-۱۳۷). با توجه به شهادت عمار یاسر در جنگ صفین، بنابراین، بر اساس این خبر باید به وقوع معجزه جمجمه در زمان حرکت امام علی علیه السلام به سمت صفین قایل شد که در آن زمان، راوی خبر، یعنی عمار یاسر هنوز در قید حیات بوده است.

فارغ از بررسی سندی و محتوایی روایات مزبور، آنچه در اینجا اهمیت دارد آن است که زیارتگاه جمجمه در بابل، بر اساس باورهای شیعیان، و همان‌گونه که ابن شهر آشوب نیز اشاره کرده، در محل معجزه سخن گفتن امام علی علیه السلام با جمجمه مرده ساخته شده است. اما همان‌گونه که ملاحظه شد، در روایات نقل شده در این باره، اجماعی بر وقوع آن در بابل وجود ندارد، بلکه بر اساس برخی اقوال، این

حادثه در ایوان مدائن رخ داده و در برخی اقوال نیز تنها به وقوع آن در مسیر حرکت امام علی (ع) به صفین یا نهروان - بدون اشاره به محلی مشخص - اشاره شده است.

از زمان پیدایش و بنای اولیه مسجد جمجمه اطلاعی در دست نیست، اما یاد شدن آن در منابع قرن ششم، نشان می‌دهد که ساختمان آن دست‌کم از آن زمان پابرجا بوده است. شاید این شهر آشوب نخستین کسی است که به این زیارتگاه اشاره کرده و از آن با عنوان «مسجد جمجمه در بابل» یاد کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۲۷).

این حمزه طوسی نیز درباره آن گفته است: مسجد جمجمه در زمین بابل مشهور است، و مسجد در محلی که جمجمه با او [= امام علی (ع)] سخن گفت، ساخته شده و تا به امروز باقی و معروف است و بیشتر زائران و کسانی که از کنار آن می‌گذرند آن را زیارت می‌کنند (ابن حمزه الطوسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۷).

علی بن ابی بکر هروی نیز درباره آن نوشته است: در شهر حلّه، «مشهد جمجمه» وجود دارد که گفته شده با عیسی بن مریم (ع) و گفته شده با علی بن ابی طالب سخن گفت: و صحیح آن است که عیسی بن مریم وارد عراق نشده است (هروی، ۱۹۵۳ق، ص ۷۶).

در دوره اخیر، شیخ عباس قمی گزارش داده است که مسجد جمجمه در گذر زمان، متروک و نزد شیعیان فراموش شده بود، تا اینکه محلات نوری با هدف شناسایی این مسجد به حلّه سفر کرد و با سختی فراوان، موقعیت آن را در نخلستان واقع در انتهای شرقی روستای جمجمه شناسایی کرد. بر اساس این گزارش، گنبد و ساختمان مسجد [یا در واقع، زیارتگاه] در آن زمان ویران شده و بقایای آن در دل خاک پنهان شده بود که با تلاش محلات نوری شناسایی و از دل خاک بیرون آورده شد (قمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۰۰).

روستای «جمجمه» که شیخ عباس قمی نیز بدان اشاره کرده، امروزه روستای کوچکی است که در حد فاصل شهر حلّه و مزار عمران بن علی (ع) - واقع در حاشیه ویرانه‌های شهر بابل - قرار دارد. نگارنده در سفر تحقیقاتی خود به این روستا، اثری از «مشهد جمجمه» نیافت؛ اما برخی اهالی منطقه به نگارنده تأکید کردند که این زیارتگاه تا زمان رژیم حزب بعث، در نقطه‌ای در شرق روستا باقی بوده، اما در این دوره، روی آن را با تپه‌ای از خاک پوشانیدند و محل آن به طور کامل زیر خاک مدفون گردید.

۳. مسجد براتا

«مسجد براتا» در کرخ بغداد، از مساجد تاریخی و مقدس شیعه است که در قرون اولیه اسلامی بسیار مورد توجه و اهتمام جامعه شیعیان بود. در برخی منابع شیعه، روایاتی در فضیلت این مسجد نقل شده

است؛ از جمله آنکه ابن قولویه به سند خود از ابوالحسن ح.ع. از امام جعفر صادق ع.ع. نقل کرده است که ایشان فرمودند: «ان الی جانبکم مقبره یقال لها بُرَاثا، یحشر منها عشرون ومائة ألف شهید کشهداء بدر»؛ در ناحیه شما، قبرستانی وجود دارد که به آن «براثا» گویند و از آن صد و بیست هزار شهید مانند شهدای بدر محشور خواهند گشت (ابن قولویه، ۱۳۷۵، ص ۳۴۶).

همچنین در تعدادی از منابع شیعه، روایاتی مبنی بر حضور و توقف و نماز خواندن امام علی ع.ع. در محل این مسجد، در زمان بازگشت ایشان از جنگ نهروان نقل شده است، که به دنبال آن، یک راهب مسیحی، که در صومعه خود نزدیک این مسجد می‌زیست، با مشاهده نماز گزاردن امام ع.ع. در این مکان به حضور ایشان رسید و با بیان اینکه اخبار حضور و نماز خواندن امام ع.ع. در براثا از کتب آسمانی به دست وی رسیده است، اسلام آورد. البته در منابع گوناگون، این حادثه با جزئیات متفاوتی نقل شده و برخی از روایات آن، حاوی فضیلت‌های دیگری برای مسجد براثا است.

بر اساس روایت شیخ صدوق در *من لا یحضره الفقیه* و شیخ طوسی در *تهذیب الاحکام*، که سند آن به جابر بن عبدالله انصاری منتهی می‌شود، لشکر صد هزار نفره امیرالمؤمنین ع.ع. پس از بازگشت از جنگ خوارج، به امامت آن حضرت در براثا نماز خواندند. یک [راهب] مسیحی از صومعه خود پایین آمد و سراغ فرمانده لشکر را گرفت. آنها امام ع.ع. را به او نشان دادند و او از حضرت سؤال کرد که آیا تو پیامبر یا وصی پیامبری هستی؟ امام خود را وصی پیامبر معرفی کردند. راهب عرض کرد: من صومعه خود را به احترام این جایگاه (براثا)، در اینجا ساخته‌ام، و در کتب آسمانی خوانده‌ام که در اینجا و با این جمعیت، جز پیامبر یا وصی پیامبری نماز نمی‌خواند. سپس اسلام آورد و همراه با لشکر امام ع.ع. به کوفه رفت (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۵۱؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۶۴).

شیخ طوسی در *الامالی* خود به نقل از شیخ مفید، این داستان را به شکل متفاوت و مفصل‌تری، از امام محمدباقر ع.ع. نقل کرده است. مفاد روایت چنین است که امیرمؤمنان ع.ع. در مسیر بازگشت از جنگ نهروان و هنگامی که به منطقه «یمنة السواد» رسیدند، راهبی امام ع.ع. و سپاهیان را از اقامت در آن سرزمین نهی کرد. اما پس از آشنایی با آن حضرت و تطبیق صفات ایشان با شخصیت جانشین رسول خدا ص.ع. - چنان‌که در انجیل آمده (از جمله آنکه ایشان در زمین براثا، که خانه حضرت مریم و حضرت عیسی ع.ع. است، فرود می‌آید) - به دین اسلام مشرف شد. آن‌گاه امیرمؤمنان ع.ع. با ضربه پای خود، چشمه آبی را در آنجا آشکار کردند که به گفته ایشان، برای مریم شکافته شده بود. سپس به دستور امام ع.ع. زمین را کندند و سنگ سفید رنگی نمایان شد. حضرت فرمودند: اینجا مریم، عیسی ع.ع. را از شان‌اش بر زمین گذاشته و نماز خوانده

است؛ و اینجا زمین برائا و خانهٔ مریم است و در اینجا، پیامبران نماز خوانده‌اند. سپس خود نیز در آنجا نماز گزارند و چهل روز اقامت نمودند. در پایان روایت، امام باقرؑ می‌فرماید که پیش از حضرت عیسیؑ، ابراهیمؑ نیز در اینجا نماز خوانده است (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۹۹-۲۰۰).

قطب راوندی شبیه روایت مزبور را نقل کرده (قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۵۲-۵۵۳) و ابن شهر آشوب نیز بخشی از همین روایت را، که دربرگیرندهٔ خبر ضربه زدن امامؑ به زمین و جوشیدن چشمه و کندن زمین و یافتن سنگ سفید رنگ است، از محمد بن قیس نقل نموده است (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۹۹-۳۰۰).

ابن شهر آشوب همچنین خبر دیگری را از حارث اعور و عمرو بن حرث و ابویوب نقل کرده که در آن، سخنی از جوشیدن چشمهٔ آب و یافتن سنگ سفید رنگ به میان نیامده، اما محتوای کلی آن شبیه بخش آغازین روایت الامالی طوسی (یعنی داستان اسلام آوردن راهب) است، البته با این تفاوت که در روایت ابن شهر آشوب، نام راهب «حباب» بیان شده و امیرالمؤمنینؑ به وی دستور دادند تا دیر خود را به مسجد تبدیل کند، و او همراه امیرالمؤمنینؑ به کوفه رفت و در آنجا اقامت کرد و پس از شهادت امامؑ به مسجد خود در برائا بازگشت (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۹۹).

ابن شهر آشوب در ادامه، روایتی را به نقل از زاذان، از امیرالمؤمنینؑ نقل کرده که در واقع دنبالهٔ روایت قبلی است. شرح روایت چنین است که امامؑ از راهب پرسیدند که چرا چشمه‌ای حفر نمی‌کند تا از آن آب بیاشامد؟ و راهب پاسخ داد که قبلاً حفر کرده و آب آن شور بوده است. امام به راهب دستور دادند که چشمهٔ دیگری حفر کند. این بار چشمهٔ آب زلالی آشکار شد و آب آشامیدنی راهب از آن تأمین گردید (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۹۹).

با این حال، در شمار دیگری از منابع شیعه، تنها از نماز خواندن امام علیؑ در برائا در زمان بازگشت از جنگ نهروان، بدون اشاره به داستان اسلام آوردن راهب یا آشکار کردن چشمه و سایر وقایع آن، سخن به میان آمده است (قمی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۸؛ قمی، ۱۳۸۱ق، ص ۶۸؛ حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۶۹ق، ص ۱).

«برائا» در اصل روستایی قدیمی‌تر از بغداد بود که پس از احداث و توسعهٔ این شهر، به محله‌ای در حومه آن تبدیل شد و موقعیت آن، جنوب «باب محول» در سمت قبلهٔ منطقه «کرخ» بود (حموی، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۳۶۲). ابن حوقل ساخت «مسجد برائا» را به امام علیؑ نسبت داده است (ابن حوقل، ۱۹۹۲م، ص ۲۱۶)؛ اما بر اساس روایت ابن شهر آشوب، این مسجد را راهب

مسیحی ساکن آنجا، پس از اسلام آوردن خود، به دستور امیرالمؤمنین علیه السلام بنا کرد (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۹۹).

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که «مسجد برائا» در دو قرن چهارم و پنجم هجری برای شیعیان اهمیت ویژه‌ای داشته است و به گفته خطیب بغدادی، محل اجتماع و گردهمایی آنان بوده است (ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۱۷). آنها تا سال ۴۵۰ق در این مسجد خطبه می‌خواندند و نماز جمعه برگزار می‌کردند؛ اما به سبب سخت‌گیری‌های اهل سنت بغداد، از این تاریخ، نماز و شعائر مذهبی در آن متوقف گردید و این مسئله موجب متروک و ویرانه شدن محله برائا در دوره‌های بعدی شد، به گونه‌ای که به گفته یاقوت حموی، در زمان وی از محله برائا اثری باقی نمانده بود و از مصالح ساختمانی آثار باقی‌مانده از دیوارهای مسجد در ساخت بناهای دیگر استفاده می‌شد (حموی، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۳۶۲-۳۶۳).

در دوره‌های اخیر، «مسجد برائا» به طور کامل از بین رفته و هیچ نشانی از آن باقی نمانده است. اما امروزه مسجد دیگری واقع در جنوب شرقی کاظمین، به نام «مسجد برائا» شناخته می‌شود که در اصل زیارتگاه دیگری مرتبط با امام علی علیه السلام، به نام مسجد یا مشهد «عتیقه» یا «منطقه» بوده است.

وجه تسمیه این مسجد به «عتیقه»، قرار داشتن آن در بازار و محله‌ای به این نام بوده که برخی منابع قرن پنجم و ششم به آن اشاره کرده‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۰۴؛ حموی، ۱۳۹۷ق، ج ۳، ص ۲۸۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۲۷). به گفته خطیب بغدادی، شیعیان به این مسجد توجه زیادی داشته و آنجا را زیارت می‌کرده‌اند و اعتقاد دارند امام علی علیه السلام در آنجا نماز خوانده است (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۰۴). صفی‌الدین بغدادی نیز از این مکان با نام «مشهد المنطقه» یاد کرده (بغدادی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۷۵۷) و در دوره اخیر، محمود شکری آلوسی در باب وجه تسمیه آن به «منطقه» و ارتباط آن با معجزه‌های امام علی علیه السلام، توضیحاتی داده است (آلوسی، ۱۳۴۶ق، ص ۱۲۲).

به هر حال، مسجد برائای کنونی، یا در واقع، «مسجد عتیقه یا منطقه»، ارتباطی با مسجد تاریخی و کهن برائا ندارد؛ چراکه «مسجد برائا» در محله برائا در جنوب غربی شهر بغداد واقع بوده، و حال آنکه مسجد کنونی در شرق بغداد کهن (پیش از توسعه آن به سمت شرقی رود دجله)، و در حد فاصل آن و کاظمین قرار دارد. چنان‌که مصطفی جواد و احمد سوسه اشاره کرده‌اند، برخی از شیعیان در دوره متأخر، که از محل و موقعیت مسجد برائای تاریخی اطلاع نداشته‌اند، نام برائا را بر «مشهد منطقه» نهاده‌اند (جواد و سوسه، ۱۴۳۲ق، ص ۹۱ و ۹۰) و از آن پس، به تدریج، این زیارتگاه به «مسجد برائا» شهرت یافته است.

با این حال، امروزه داخل این زیارتگاه آثاری وجود دارد که با روایات حضور امام علیؑ در برائا و فضایل مسجد برائا ارتباط یافته است؛ از آن جمله: سنگ سفید رنگی به شکل یک ستون هشت ضلعی خوابیده بر زمین است که در طرفین آن کتیبه‌ای حجاری شده حاوی اسامی چهارده معصوم به چشم می‌خورد و گفته می‌شود: حضرت مریم، فرزندش حضرت عیسیؑ را بر روی این سنگ گذاشته است. در صحن مسجد نیز سنگ سیاه رنگی با شکل نزدیک به مکعب وجود دارد که به نام سنگ «منطقه» نیز شناخته می‌شود و زائران بدان تبرک می‌جویند. در بخش دیگری از مسجد نیز چاه آبی وجود دارد که شیعیان آن را همان چشمه‌ای می‌دانند که امام علیؑ در زمان حضور خود در برائا آن را آشکار کردند و بر این باورند که این چاه در گذشته تخریب و از دید پنهان شده بود، اما در دوره اخیر مجدداً شناسایی گردیده است (حسنی، ۱۴۳۱ق، ص ۸۳-۸۴).

۴. «قَطَّارَه امام علیؑ»

در حدود ۲۵ کیلومتری جنوب غربی کربلا، نزدیک جادهٔ این شهر به «عین‌التمر»، چشمه آبی وجود دارد که به «قَطَّارَه» امام علیؑ شناخته می‌شود و در اطراف آن، دیواره‌های صخره‌ای نسبتاً مرتفعی وجود دارد. اخیراً در این مکان، زیارتگاهی ساخته‌اند که چشمه‌ای آب درون آن قرار گرفته است و بر روی آن ضریحی به شکل یک پنجرهٔ چوبی مشبک یک ضلعی نصب کرده‌اند. اهالی منطقه این چشمه را همان چشمه‌ای می‌دانند که امام علیؑ به طریق اعجاز‌آمیز نزدیک دیر یک راهب مسیحی آشکار کردند.

معجزه آشکار کردن چشمه آب به دست امیرالمؤمنینؑ در زمان حرکت به سمت صفین یا بازگشت از آنجا، در تعدادی از منابع شیعه نقل شده است؛ اما در جزئیات روایات آن، اختلاف‌هایی وجود دارد. فحوای این روایات به‌اختصار چنین است که امامؑ در مسیر حرکت خود، به همراه لشکر خویش وارد صحرایی بی‌آب و علف شدند و در نزدیکی ستون یا میل بلندی توقف کردند که در بالای آن راهبی زندگی می‌کرد. نزدیک این ستون یا میل، صخره‌ای وجود داشت که اصحاب حضرت نتوانستند با یکدیگر آن را بلند کنند. اما امامؑ آن را از جا کردند و در زیر آن، چشمهٔ آب زلالی پدیدار شد. پس از آنکه لشکر ایشان از آب چشمه سیراب شدند، حضرت صخره را به جای اول برگرداندند و چشمه را پوشانیدند. سپس از آنجا حرکت کردند؛ اما هنوز دور نشده بودند که امامؑ از اصحاب خود خواستند تا برگردند و چشمه را بیابند. برخی از اصحاب حضرت بازگشتند، اما نتوانستند محل چشمه

را بیابند. سپس نزد راهب رفتند و او به آنها خبر داد که بجز پیامبران یا اوصیای پیامبران، هیچ کس نتوانسته است این چشمه را آشکار کند (منقروی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۵؛ خصیبی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۴۸-۱۴۹؛ مفید، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۳۶-۳۳۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۲۶؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۶۴-۸۶۶). در برخی از این منابع افزوده شده است که آن راهب اسلام آورد و به امیرالمؤمنین علیه السلام پیوست و سرانجام، در جنگ صفین به شهادت رسید (خصیبی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۴۹؛ مفید، ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۲۶).

لازم به ذکر است که تقریباً همه منابعی که این معجزه را نقل کرده‌اند زمان وقوع آن را در هنگام عزیمت امام علی علیه السلام به سمت صفین دانسته‌اند؛ اما در محل وقوع آن با یکدیگر اختلاف دارند و بیشتر آنها، محل وقوع حادثه را در نقطه‌ای در ساحل غربی رود فرات ذکر کرده‌اند. در روایت نصر بن مزاحم، که احتمالاً قدیمی‌ترین روایت این معجزه است، محل وقوع آن «ظهر کوفه» بیان شده است (منقروی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۵). ابن شهر آشوب و قطب راوندی مکان وقوع آن را «صندودا» دانسته‌اند (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۲۶؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۶۴). در روایت حسین بن حمدان خصیبی و شیخ مفید و نیز در اشعاری از سید حمیری، محل وقوع آن پس از گذشتن امام علیه السلام از کربلا ذکر شده است (خصیبی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۴۸؛ مفید، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۳۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۲۶). ابن اعثم نیز محل آن را صحرایی که امیرالمؤمنین علیه السلام در حد فاصل میان «انبار» تا «هیت» از آن عبور کرده، دانسته است (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۵۵۵).

بنا بر آنچه گذشت، در خصوص این معجزه و زیارتگاه مرتبط با آن، یعنی «قطاره»، چند نکته قابل تأمل وجود دارد:

۱. همان‌گونه که اشاره شد، بیشتر منابع، زمان وقوع این معجزه را در هنگام حرکت امام علی علیه السلام به سمت صفین ذکر کرده‌اند؛ اما بجز ابن اعثم، سایر منابع مکان وقوع آن را در ساحل غربی رود فرات ذکر نموده‌اند، در حالی که - چنان‌که پیش از این ذکر شد - مسیر حرکت امام علی علیه السلام به سمت صفین، در ساحل شرقی رود فرات بوده و مسیر بازگشت ایشان در ساحل غربی رود فرات (ر.ک: خامه‌یار، ۱۳۹۰، ص ۴۱-۷۲). بنابراین، در روایات گوناگون این معجزه، میان زمان و مکان وقوع آن توافق وجود ندارد.

۲. به‌طور کلی، این معجزه به طرز قابل تأملی یادآور معجزه مشابهی است که در زمان بازگشت امام علیه السلام از جنگ نهروان در محل «مسجد برائا» رخ داد. به‌گونه‌ای که یا باید قایل شد به اینکه معجزه آشکار شدن چشمه آب به دست امام علی علیه السلام نزدیک دیر راهب مسیحی، دوبار اتفاق افتاده است، و یا با

استناد به روایاتی که در آنها به وقوع این معجزه در برائا اشاره نشده، چنین نتیجه‌گیری کرد که این معجزه تنها یک بار، در زمان رفت و برگشت امام علیه السلام به صفین رخ داده است و برخی از روایان در نقل اصل خبر دچار تردید و اشتباه شده‌اند و زمان وقوع آن را در زمان توقف ایشان در نهروان ذکر کرده‌اند.

۳. نصر بن مزاحم و ابن اعثم گزارش کرده‌اند که امام علی علیه السلام در مسیر حرکت خود به صفین و پیش از رسیدن به شهر «رقه»، نزدیک رود «بلیخ» (از شاخه‌های رود فرات) توقف کردند. در آنجا راهبی از صومعه خود خارج شد و نوشته‌ای را که از اصحاب حضرت عیسی علیه السلام دست‌به‌دست به وی رسیده بود و در آن، رسیدن امام علیه السلام به این محل پیش‌بینی شده بود، برای آن حضرت قرائت کرد. سپس به یاران ایشان پیوست و سرانجام، در جنگ صفین به شهادت رسید (منقری، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۷-۱۴۸؛ ابن‌اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۵۵۶). شباهت برخی جزئیات این گزارش (اسلام آوردن راهب و شهادت وی در رکاب امام علیه السلام در جنگ صفین) با روایات معجزه آشکار کردن چشمه آب قابل تأمل است، و به نظر می‌رسد بین روایات این معجزه و روایت راهب بلیخ، خلطی صورت گرفته باشد.

۴. ابن‌اعثم گزارش داده است که امام علی علیه السلام در زمان عزیمت به سمت صفین، پس از گذشتن از شهر «هیت»، در محلی به نام «اقطار» توقف نمودند و در آنجا مسجدی بنا کرد که تا زمان وی - اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری - پابرجا بوده است (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۵۵۶). تشابه نام زیارتگاه «قطاره» امام علی علیه السلام نزدیک کربلا، با نام مسجد «اقطار» نیز نکته‌ای شایسته تأمل و بررسی است.

۵. برخلاف سه زیارتگاه قبلی (مشهد الشمس و جمجمه و مسجد برائا)، که در متون کهن از آنها یاد شده، نگارنده اشاره‌ای به زیارتگاه قطاره در منابع تاریخی نیافته است.

نتیجه‌گیری

از جمع‌بندی روایات گوناگون واردشده در باب هریک از معجزاتی که مبنای پیدایش زیارتگاه‌های بررسی شده در این پژوهش بوده است، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که وجود اختلاف و گاه حتی تناقض موجود در باب زمان و مکان وقوع این معجزات، به ما این اجازه را نمی‌دهد که با استناد به این روایات، به آسانی بتوانیم مکان مشخصی را به عنوان محل وقوع این معجزات تعیین کنیم. با این حال، نتیجه‌گیری کلی درباره هریک از زیارتگاه‌های بررسی شده را می‌توان به طور خلاصه به شرح ذیل بیان کرد:

۱. تنها با استناد به روایاتی که زمان وقوع حادثه ردّ شمس را در مسیر بازگشت امام علی علیه السلام از نهروان بیان کرده‌اند (به‌ویژه روایت شیخ صادق در *من لا یحضره الفقیه*، که مکان وقوع آن را پس از

گذشتن از یل «سوراء» ذکر کرده است)، می‌توان زیارتگاه «مشهد الشمس» را منطبق بر محل وقوع معجزه ردّ شمس دانست.

۲. تنها در روایت نسبتاً متأخر ابن شهر آشوب، محل وقوع معجزه جمجمه، منطقه «بابل» بیان شده، و در منابع کهن‌تر، محل وقوع این معجزه مدائن یا موقعیت غیردقیق «نزدیک رود فرات» ذکر شده است. بنابراین، نمی‌توان به راحتی پذیرفت که زیارتگاه ازبین‌رفته جمجمه در بابل، کاملاً در محل وقوع این معجزه ساخته شده باشد.

۳. در منابع معتبر شیعه، روایاتی در فضیلت «مسجد براتا» نقل شده و این مسجد محل حضور و نماز خواندن امام علی علیه السلام در زمان بازگشت ایشان از نهروان معرفی شده است. اما در برخی از این منابع، از وقوع معجزه آشکار کردن چشمه آب در این مسجد سخنی در میان نیست. علاوه بر آن، «مسجد براتا» در گذر زمان، از بین رفته است و مسجدی که امروزه به این نام شناخته می‌شود، در واقع مسجد و زیارتگاه دیگری به نام «عتیقه» یا «منطقه» است. بنابراین، آثاری که امروزه در این مسجد زیارت می‌شود از مستند روایی برخوردار نیست.

۴. در محل وقوع معجزه چشمه آب، تناقض و اختلاف فاحشی در روایات وجود دارد. البته در روایت خصیبی و شیخ مفید و نیز اشعار سید حمیری، زمان وقوع آن پس از عبور امام علی علیه السلام از کربلا بیان شده، اما محل دقیق وقوع آن مشخص نشده است، ضمن آنکه از بیشتر روایات چنین برمی‌آید که هیچ‌کس جز پیامبران و اوصیای پیامبران قادر به شناسایی محل چشمه نیست؛ و این مسئله تعیین زیارتگاه «قطاره» امام علی علیه السلام یا هر مکان دیگری را به‌عنوان محل وقوع این معجزه با دشواری مواجه می‌سازد.

سخن پایانی آنکه نویسنده بر این باور است که زیارتگاه‌های بررسی شده را حتی اگر نتوان به‌عنوان محل وقوع قطعی و دقیق معجزات امیرالمؤمنین علیه السلام تعیین کرد، اما می‌توان آنها را به‌عنوان زیارتگاه‌هایی نمادین در نظر گرفت که شیعیان در دوره‌های بعدی، در جاهایی که نزد آنها به‌عنوان محل وقوع این معجزات مشهور و متعارف بوده، ساخته‌اند و نیت و انگیزه آنان از ساخت این زیارتگاه‌ها، احیای یاد و خاطره این معجزات امام علی علیه السلام بوده که در بسیاری منابع روایی شیعه روایت شده و برای آنها مشهور و شناخته شده بوده است.

منابع

- ابن اعثم کوفی، احمد بن، ۱۴۱۱ق، الفتح، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الاضواء.
- ابن حزم، علی بن احمد، بی تا، *جمهرة انساب العرب*، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، ط. الخامسة، قاهره، دار المعارف.
- ابن حمزة طوسی، محمد بن علی، ۱۴۱۲ق، *التاقب فی المناقب*، تحقیق نبیل رضا علوان، ج دوم، قم، انصاریان.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل، ۱۹۹۲م، *صورة الارض*، بیروت، دار مکتبه الحیاة.
- ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد بن جعفر، ۱۳۷۵، *کامل الزیارات*، تصحیح بهراد جعفری، تهران، صدوق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۴۱۲ق، تحقیق یوسف البقاعی، ط. الثانية، بیروت، دارالاضواء.
- آلوسی، سید محمود، ۱۳۴۶ق، *تاریخ مساجد بغداد و آثارها*، بغداد، مطبعة دارالسلام.
- جعفریان، رسول، ۱۳۹۰، *آثار اسلامی مکه و مدینه*، چ چهاردهم، تهران، مشعر.
- جواد، مصطفی و احمد سوسه، ۱۴۳۲ق، *دلیل خارطة بغداد المفصل فی خطط بغداد قديماً وحديثاً*، بیروت، مکتبه الحضارات.
- حدیثی، عطا و هناء عبدالخالق، ۱۹۷۴م، *القباب المخروطة فی العراق*، بغداد، مديرية الآثار العامة.
- الحسنی، عادل، ۱۴۳۱ق، *دلیل العتبات والمرقد فی العراق*، بیروت، دارالمؤرخ العربی.
- حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۶۹ق، *عیون الممجزات*، نجف، المطبعة الحیدریة.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، ۱۳۹۷ق، *معجم البلدان*، بیروت، دارصادر.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، *قرب الإسناد*، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- خامه‌یار، احمد، ۱۳۹۰، «پژوهشی در مسیر امام علیؑ به صفین و محل جنگ صفین»، *پژوهش نامه علوی*، ش ۳.
- خصیبی، حسین بن حمدان، ۱۴۲۳ق، *الهدایة الكبرى*، بیروت، مؤسسة البلاغ.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، ۱۴۲۲ق، *تاریخ بغداد*، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۴۰۶ق، *خصائص الائمة* - *خصائص امیرالمؤمنین*، تحقیق محمدهادی امینی، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیة.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۸۵ق، *علل الشرائع*، نجف، المکتبه الحیدریة و مطبعتها.
- _____، ۱۴۰۳ق، *الخصال*، تصحیح علی اکبر الغفاری، قم، جامعه مدرسین.
- _____، ۱۴۱۰ق، *من لایحضره الفقیه*، تحقیق سیدحسن موسوی خراسان، طهران، دارالکتب الاسلامیة.
- صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، *بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد*، تصحیح میرزا محسن کوجه‌باغی، طهران، مؤسسة الاعلمی.

صفى الدين بغدادى، عبدالمؤمن بن عبدالحق، ١٤١٢ق. مرآة الاطلاع على اسماء الامكنة والبساتع. تحقيق على محمد بجاوى، بيروت، دارالجيل.

طباطبائى، سيدعبدالعزیز، ١٤١٧ق، اهل البيت - فى المكتبة العربية، قم، مؤسسة آل البيت - لإحياء التراث.

طبرى، محمد بن جرير، ١٤١٠ق. نوادر المعجزات فى مناقب الائمة الهداة، قم، مدرسة الإمام المهدي.

طوسى، محمد بن حسن، ١٣٦٥، تهذيب الاحكام، تحقيق سيدحسن موسى خراسان، چ چهارم، تهران، دارالكتب الاسلاميه.

طوسى، محمد بن حسن، ١٤١٤ق، الامالى، قسم الدراسات الاسلاميه - مؤسسة البعثة، قم، دارالتقافة.

غانى، علاء الدين احمد، ١٩٨٢م، المشاهد ذات القباب المخروطة فى العراق، المؤسسة العامة للآثار والتراث.

عياشى، محمد بن مسعود، بى تا، التفسير، تصحيح سيدهاشم رسولى محلاتى، طهران، المكتبة العلمية الاسلامية.

قطب راوندى، سعيد بن عبدالله، ١٤٠٩ق. الخرائج والجرائع، قم، مؤسسة الامام المهدي.

قى، شاذان بن جبرئيل، ١٣٨١ق، الفضائل، النجف، المكتبة الحيدرية ومطبعها.

—، ١٤٢٣ق، الروضة فى فضائل امير المؤمنين، تحقيق على الشكرجى، قم، مكتبة الامين.

قى، عباس، ١٣٨٠، منتهى الآمال، چ چهاردهم، قم، هجرت.

قى، محمد بن حسن، ١٤٢٣ق، العقد النفيد والدر الفريد، تحقيق على اوسط الناطقى، قم، دارالحدیث.

كلىنى، محمد بن يعقوب، ١٤٠١ق، الكافى، تصحيح على اكبر غفارى، ط. الثالثة، بيروت، دارصعب و دارالتعارف.

مجلسى، محمد باقر، ١٤٠٣ق، بحار الانوار، ط. الثانية، بيروت، مؤسسة الوفاء.

مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، ١٤١٦ق، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، بيروت، مؤسسة آل البيت - لإحياء التراث.

منقرى، نصر بن مزاحم، ١٤١٠ق، وقعة صفين، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، بيروت، دارالجيل.

نريمانى، زهره، ١٣٨١، «نقد سندی و محتوایی روایت رد الشمس لعلی ابن ابی طالب»، حديث انديشه، ش ٣-٤.

هروى، على بن ابى بكر، ١٩٥٣م، الاشارات الى معرفة الزيارات، تحقيق جانين سورديل - طومين، دمشق، المعهد الفرنسى.